



درس چهارم

الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾ الْأَنْبِيَاءَ : ۹۲
بی گمان این امت شماست؛ امتی یگانه و من پروردگارتان هستم، پس
مرا پرستید.

التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ

همزیستی مسالمت آمیز

ج مکسر عصر

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةٌ إِلَىٰ مَرِّ الْعُصُورِ، قَائِمَةٌ عَلَىٰ آسَاسِ الْمَنْطِقِ وَاجْتِنَابِ أَيْ رِسَالَتِ اسْلَامِ دَر گذر زمان ها بر اساس منطق و دوری از هر بدی کردنی بوده است
إِسَاءَةٍ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:
بِه رَا سْتِي خُد اوند می فرماید:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ
و نیکی و بدی برابر نیستند؛ [بدی را] به گونه ای که بهتر است دفع کن که آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی هست،

عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ فَصَلَّتْ: ۳۴
گوپی دوستی صمیمی می شود

ج کافر

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ؛ أَلَّا يَسْبُوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ، فَهُوَ يَقُولُ:
بی گمان قرآن به مسلمانان دستور می دهد که به معبود های مشرکان و کافران دشنام ندهند پس او می فرماید

﴿وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ...﴾ الْأَنْعَامُ: ۱۰۸
نعل نمی کسانی را که به جای خدا فرامی خوانند، دشنام ندهید که به خداوند دشنام دهند

الْإِسْلَامَ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْأَلْهِيَّةَ؛ ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ
اسلام به دین های الهی احترام می گذارد؛ (بگو ای اهل کتاب به سوی کلمه ی یکسان بین ما و بین خودتان بیاید

بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾ آل عمران: ۶۴
که جز خدا را پرستش نکنیم و چیزی را برایش شریک قرار ندهیم

الآن... که ند
الآن... به جز

﴿يُؤَكِّدُ الْقُرْآنَ عَلَىٰ حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ؛﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۵۶
قرآن بر آزادی عقیده تاکید می کند؛ (هیچ اجباری در دین نیست...)

لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَىٰ نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ؛ لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِخُ بِهِ أَحَدٌ، وَ عَلَى كُلِّ
پافشاری بر نقطه های اختلاف و بر دشمنی جایز نمی باشد، زیرا کسی از آن سود نمی برد؛

النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا، مَعَ احْتِفَازٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لِأَنَّهُ
همه ی مردم باید که با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند (همزیستی کنند)

كُلٌّ + مِن = هر یک از

﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ الرَّؤْمُ: ۳۲ لَدَى + ضمير متصل = دارم/داری/دارد ...

هر حزبی به آنچه دارند خوشحال هستند

الْبِلَادُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.
کشور های اسلامی مجموعه ای از ملت های زیادی هستند، که در زبان ها و رنگ ها متفاوتند

﴿قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ
خداوند بلند مرتبه فرموده است: ای مردم بی شک ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را گروه ها و قبیله هایی قرار دادیم

ج شعب
شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ الْحَجَّرَاتُ: ۱۳
تا یکدیگر را بشناسید. قطعاً گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین تان است

﴿يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ؛﴾ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾ آل عمران: ۱۰۳
قرآن ما را به وحدت دستور می دهد و به ریسمان (دین) خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید

﴿يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ
اتحاد امت اسلامی در شکل های زیادی جلوه گر می شود، از جمله اجتماع مسلمانان در یک جا در حج

فِي الْحَجِّ، الْمُسْلِمُونَ حُمْسُ سَكَّانِ الْعَالَمِ، يَعْيشُونَ فِي مِسَاحَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ؛

مسلمانان یک پنجم ساکنان جهان هستند که در مساحت گسترده ای از زمین

۱- و نیکی و بدی برابر نیستند؛ [بدی را] به گونه ای که بهتر است دفع کن که آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی هست، گوپی دوستی صمیمی می شود.

۲- کسانی را که به جای خدا فرامی خوانند، دشنام ندهید که به خداوند دشنام دهند ...

۳- لَا تَفَرَّقُوا = لَا تَتَفَرَّقُوا

مَنْ الصَّيْنِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می کنند

قَالَ الْإِمَامُ الْخَمِينِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ: ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلِمًا يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ

امام خمینی که روانش پاک باد فرمود: اگر کسی سخنی بگوید که مسلمانان را پراکنده سازد، پس بدانید که او جاهل أو عالمٌ یحاولُ ایجادَ التَّفْرِقَةِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ.

ندان است یا دانایی است که برای ایجاد تفرقه بین صفوف مسلمانان تلاش می کند

وَقَالَ قَائِدُنَا آيَةَ اللَّهِ الْخَامِنِيِّ: مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

رهبر ما آیت الله خامنه ای فرموده است: هر کس از شما کسی را ببیند که به تفرقه فرا می خواند ، پس او مزدور دشمن است

المُعْجَم: واژه نامه

اختلاف	خِلَاف	احترام گذاشت	إِحْتَرَمَ
یک پنجم	خُمْس	نگاه داشتن	مصدر إِحْتِفَاط
فرا خواند، دعا کرد «يَدْعُونَ: فرا می خوانند»	ماضی دَعَا	بدی کردن	مصدر إِسَاءة
مرد، نر	ذَكَر	برابر شد	ماضی إِسْتَوَى
شاد	فَرِحَ	شریک قرار داد	ماضی أَشْرَكَ
پراکنده ساخت	ماضی فَرَّقَ	چنگ زد (با دست گرفت)	ماضی إِعْتَصَمَ
رهبر «جمع: قَادَة»	قَائِد	تأکید کرد	ماضی أَكَّدَ
استوار، ایستاده	قَائِم	زن، ماده	أُنْثَى
دشنام داد	سَبَّ	که ن... «أَلَّا نَعْبُدَ: که نپرستیم» (أَنْ+لا+نَعْبُدُ)	أَلَّا
ساکنان	سُكَّان	هرگونه بدی، هرگونه بی ادبی	أَيُّ إِسَاءَةٍ
مُسالمت آمیز «سَلْم: صلح»	سَلِمِي	جلوه گر شد	ماضی تَجَلَّى
یکسان	سَوَاء	یکدیگر را شناختن «لِتَعَارَفُوا: تا یکدیگر را بشناسید.»	مصدر تَعَارَفَ
در گذر زمان	عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ	همزیستی داشت «أَنْ يَتَعَايَشُوا تَعَايُشًا سَلْمِيًّا: که همزیستی مسالمت آمیز کنند.»	ماضی تَعَايَشَ
مزدور «جمع: عمّلاء»	عَمِيل	پراکنده شد «لا تَفَرَّقُوا: پراکنده نشوید»	ماضی تَفَرَّقَ
برتری، فزونی	فَضْل	جایز شد «لا يَجُوزُ: جایز نیست»	ماضی جَازَ
نزد «لَدَيْهِمْ: دارند»	لَدَى	طناب «جمع: حبال»	حَبَل
با همدیگر	مَعَ بَعْض	آزادی	حُرِّيَّة
به جای خدا، به غیر خدا	مِنْ دُونِ اللَّهِ	گرم و صمیمی	حَمِيم

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.



- ۱- يجوزُ الإصرارُ على نِقاطِ الخِلافِ وَ العُدوانِ، لِلدِّفاعِ عَنِ الحَقِيقَةِ. ✗
 - ۲- رِسالَةُ الإسلامِ قائِمَةٌ على أساسِ المَنطِيقِ وَ اجْتِنابِ الإِساءَةِ. ✓
 - ۳- على كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشاً سَلَمِيّاً. ✓
 - ۴- هَمَمَةُ مَرَدٍ بَاطِلَةٌ بِإِيقادِ رِزْقِهِ مِسالِمَتِ أَمِيرِ دَاشْتِهِ بِأَشَدِّ. ✗
 - ۵- لِبَعْضِ الشُّعوبِ فَضْلٌ على الأَخرينَ بِسَبَبِ اللُّونِ. ✗
 - ۶- رُبُّهُمُ سَكانُ العَالمِ مِنَ المُسَلِمينَ. ✗
- یک چهارم ساکنان جهان از مسلمان هستند**

إِعْلَمُوا

أَلْفِعْلُ الثَّلَاثِي الْمَزِيدُ (۲)

در درس گذشته با چهار باب از فعل‌های «ثلاثی مزید» آشنا شدیم. با چهار باب ثلاثی مزید دیگر (تَفَاعُلٌ، تَفَعِيلٌ، مُفَاعَلَةٌ و اِفعال) آشنا شوید.

سوم شخص مفرد مذکر سوم شخص مفرد مذکر دوم شخص مفرد مذکر

أَلْمَاضِي	أَلْمُضارع	أَلْأَمْر	أَلْمَصَدَر
هُوَ تَفَاعَلَّ	هُوَ يَتَفَاعَلُ	اَنْتَ تَفَاعَلْ	تَفَاعُلٌ
هُوَ فَعَّلَ	هُوَ يُفَعِّلُ	اَنْتَ فَعِّلْ	تَفَعِيلٌ
هُوَ فاعَلَ	هُوَ يُفَاعِلُ	اَنْتَ فاعِلْ	مُفَاعَلَةٌ
هُوَ أَفَعَلَ	هُوَ يُفَعِّلُ	اَنْتَ أَفَعِلْ	إِفعال

أَلْمَصَدَر	الأمر	المُضارع	المأضي	أَلْبَاب
تَشَابُه: همانند شدن	تَشَابُه: همانند شو	يَتَشَابُه: همانند می شود	تَشَابُه: همانند شد	تَفَاعُل
تَفْرِيح: شاد کردن	فَرَّح: شاد کن	يُفَرِّح: شاد می کند	فَرَّح: شاد کرد	تَفْعِيل
مُجَالَسَة: همنشینی کردن	جَالَس: همنشینی کن	يُجَالِس: همنشینی می کند	جَالَس: همنشینی کرد	مُفَاعَلَة
إِخْرَاج: بیرون آوردن	أَخْرَج: بیرون بیاور	يُخْرِج: بیرون می آورد	أَخْرَج: بیرون آورد	إِفْعَال

إِخْتَبَرْ نَفْسَكَ:

ترجمه الأفعال الثلاثية المزيدة، و اکتب بابها.
فعل های ثلاثی مزید را ترجمه کن و نوع باب آن را بنویس

باب

يَتَعَامَلُ: داد و ستد می کند

تَعَامَلَ: داد و ستد کرد

مضارع

ماضی

باب تَفَاعُل

تَعَامَلُ: داد و ستد کردن

تَعَامَلَ: داد و ستد کن

مصدر

امر

باب تَفْعِيل

يُعَلِّمُ: یادی می دهد

عَلَّمَ: یاد داد

مضارع

ماضی

تَعْلِمُ: یاد دادن

عَلَّمَ: یاد بده

مصدر

امر

باب مُفَاعَلَة

يُكَاتِبُ: نامه نگاری می کند

كَاتَبَ: نامه نگاری کرد

مضارع

ماضی

مُكَاتِبَة: نامه نگاری کردن

كَاتَبَ: نامه نگاری کن

مصدر

امر

باب إِفْعَال

يُجْلِسُ: می نشاند

أَجْلَسَ: نشاند

مضارع

ماضی

إِجْلَاس: نشاندن

أَجْلَسَ: بنشان

مصدر

امر

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

گفتگو حوار

(في صالَة^۱ التفتيش بِالْجَمَارِكِ^۲) در سالن بازرسی گمرک

شُرطِي الْجَمَارِكِ پليس گمرک	الزَّائِرَةُ زائر
إِجْلِي هَذِهِ الْحَقِيَّةَ إِلَى هُنَا. این چمدان را به اینجا بیاور تفتيش بسيط. یک بازرسی ساده	عَلَى عَيْنِي، يَا أَخِي، وَلَكِنْ مَا هِيَ الْمَشْكَلَةُ؟ به روی چشمم ای برادرم اما مشکل چیست؟ لَا بَأْسَ. اشکالی ندارد
عَفْوًا؛ لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيَّةُ؟ ببخشید این چمدان مال کیست؟	لِأَسْرَتِي. مال خانواده ام
إِفْتَحِيهَا مِنْ فَضْلِكَ ^۳ . لطفاً باز کن	تَفَضَّلْ، حَقِيَّتِي مَفْتُوحَةً لِلتَّفْتِيْشِ. بفرما چمدان برای بازرسی باز شده است
مَاذَا فِي الْحَقِيَّةِ؟ در چمدان چه چیزی است؟	فُرْشَاةُ الْأَسْنَانِ وَالْمَعْجُونُ وَالْمِنْشَقَّةُ وَالْمَلَابِسُ ... مسواک خمیر دندان و حوله و لباس ها
مَا هَذَا الْكِتَابُ؟ این کتاب چیست؟	لَيْسَ كِتَابًا؛ بَلْ دَفْتَرُ الذِّكْرِيَّاتِ ^۴ . کتاب نیست بلکه دفتر خاطرات است
مَا هَذِهِ الْحُبُوبُ؟ این قرص ها چیست؟	حُبُوبٌ مُهْدَنَةٌ، عِنْدِي صُدَاعٌ. قرص های آرام بخش، سردرد دارم
هَذِهِ، غَيْرُ مَسْمُوحَةٍ. این ممنوع است	وَلَكِنْ أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَيْهَا جَدًّا. اما من خیلی به آنها نیاز دارم
لَا بَأْسَ. اشکالی ندارد	شُكْرًا. متشکرم
إِجْمَعِيهَا وَادْهَبِي. آن را جمع کن و برو	فِي أَمَانِ اللَّهِ. در پناه خدا

درسنامه، جزوه و نمونه سوالات (پاسخنامه) رایگان در کانال و وبسایت ما www.noktesabz.com Arabi_eyvazi



۱- صالَة: سالن ۲- جَمَارِك: گمرک ۳- مِنْ فَضْلِكَ: لطفاً ۴- ذِّكْرِيَّات: خاطرات

تمرین اول: کدام کلمه از کلمات جدید درس متناسب با توضیحات زیر است؟
 التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْجَدِيدَةِ لِلدَّرْسِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

قائد

۱- رَئِيسُ الْبِلَادِ، الَّذِي يَأْمُرُ الْمَسْؤُولِينَ وَ يَنْصَحُهُمْ لِأَدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ. رئيس کشور کسی است که به مسئولان دستور می دهد و آنها را برای انجام دادن وظایفشان نصیحت می کند

جمارک

۲- إِدَارَةٌ مَسْؤُولَةٌ عَنِ الصَّادِرَاتِ إِلَى الْخَارِجِ وَ الْوَارِدَاتِ إِلَيْهَا. اداره مسوول در مورد صادرات به خارج و واردات به آن

التَّعَارُفُ

۳- عَرَفَ الْبَعْضُ الْبَعْضَ الْآخَرَ. شناخت بعضی، بعضی دیگر را

الْعَمِيلُ

۴- الَّذِي يَعْمَلُ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ. کسی که برای مصلحت دشمن کار می کند

الخُمْسُ

۵- جُزْءٌ وَاحِدٌ مِنْ خَمْسَةٍ. یک جزء از پنج

تمرین دوم: در جای خالی کلمه ای مناسب قرار بده. دو کلمه اضافی است

التَّمْرِينُ الثَّانِي: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

یکسان / ملت / جایزاست / استوار / برتری دارم / به جای
 سَوَاءٍ / الشَّعْبُ / يَجُوزُ / قَائِمَةٌ / فَضْلٌ / لَدَيَّ / مِنْ دُونِ

۱- لَدَيَّ جَوَّالٌ تَفْرَعُ بَطَارِيئَهُ خِلَالَ نِصْفِ يَوْمٍ.

تلفن همراهی دارم که در نصف روز باطریش خالی می شود

۲- زُمَّلَائِي فِي الدَّرْسِ عَلَى حَدِّ سَوَاءٍ

همکلاسی هایم در درس در حد یکسانی هستند

۳- لِمَصْدِيقِي فَضْلٌ فِي حُسْنِ الْخُلُقِ.

دوستم در خوش اخلاقی برتری دارد

۴- لَا يَقْبَلُ الشَّعْبُ الْإِيرَانِيَّ أَيَّ صَغَطٍ.

ملت ایران هیچ فشاری را قبول نمی کند

۵- لَا تَعْبُدُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَحَدًا.

به جای خدا کسی را عبادت نکنید

تمرین چهارم: به فارسی ترجمه کن. (آیامی دانی که...)
الْتَّمَرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. (هَلْ تَعْلَمُ أَنْ...)

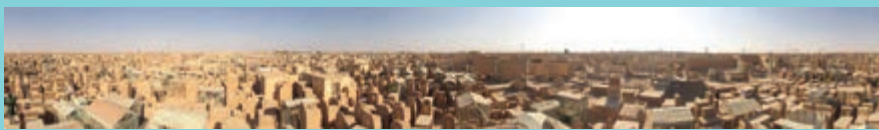
۱- ... الزَّرَافَةُ لَا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَ عَلَى ثَلَاثِ مَرَاحِلَ؟
زرافه در یک روز به جز کمتر از سی دقیقه و در سه مرحله نمی خوابد؟

۲- ... مَقْبَرَةَ «وَادِي السَّلَامِ» فِي النَّجْفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟
مقبره وادی السلام در نجف اشرف از بزرگترین مقبره هادر جهان است؟

۳- ... الصَّيْنِ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَخْدَمَتْ نُفُودًا وَرَقِيَّةً؟
چین اولین دولت در جهان است که پول های کاغذی را به کار گرفت؟

۴- ... الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقِفًا عَلَى أَقْدَامِهِ؟
اسب قادر به خوابیدن بر روی پاهایش به صورت ایستاده است؟

۵- أَكْثَرَ فَيْتَامِينِ C لِلْبُرْتَقَالِ فِي قِشْرِهِ؟
بیشترین ویتامین C در پوست پرتقال است



تمرین چهارم: حدیث های پیامبر را ترجمه کن و نوع فعل ها را که زیرشان خط هست را بنویس

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

فعل امر-دوم شخص جمع (انتم)

۱- قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ، كَبَيْتِ حَرْبٍ^۱، فَتَعَلَّمُوا وَعَلِّمُوا وَتَفَقَّهُوا^۲،
مضارع منفی سوم شخص مفرد (هو)
وَلَا تَمُوتُوا جُهَالًا^۳؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْزِرُ^۴ عَلَى الْجَهْلِ.

قلبی که در آن چیزی از دانش نیست. مانند خانه ی خرابی است. پس یاد بگیرید و یاد بدهید و دانش بیاموزید

و نادان نمیرید؛ زیرا خداوند بر نادانی عذر نمی پذیرد.
فعل امر-دوم شخص جمع (انتم) فعل امر-دوم شخص جمع (انتم) مضارع دوم شخص جمع (انتم)

۲- تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ، وَتَعَلَّمُوا لَهُ السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ، وَتَوَاضَعُوا لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ
لِمَنْ تُعَلِّمُونَهُ. مضارع دوم شخص جمع (انتم)

علم را یاد بگیرید و با آن آرامش و وقار را یاد بگیرید و به کسی که از او یاد می گیرید و به کسی که
به او علم یاد می دهید، فروتنی کنید.

۳- مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعَطَّارِ؛ إِنْ جَالَسْتَهُ^۱ نَفَعَكَ، وَإِنْ مَاشَيْتَهُ^۲ نَفَعَكَ، وَإِنْ
مَاضِي دوم شخص مفرد (انت) شَارَكَتَهُ^۳ نَفَعَكَ.

مثل مؤمن مانند مثل عطاری است. اگر با همنشین کنی به تو سود می رساند، و اگر با او همراهی کنی
به تو سود می رساند، و اگر با او مشارکت کنی به تو سود می رساند

۴- اَلْمُؤْمِنُ مِّنْ أَمْنِهِ^۱ النَّاسُ عَلَى دِمَائِهِمْ^۲ وَأَمْوَالِهِمْ.

مؤمن کسی است که مردم او را بر خونهایشان (جانهایشان) و بر ثروتشان امین بدانند

مضارع منفی سوم شخص مفرد (هی)
۵- لَا تَجْتَمِعُ خَصَلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبُخْلُ وَالْكَذِبُ.

دو خصوصیت در مؤمن جمع نمی شود: بخل ورزیدن و دروغ گفتن

- ۱- حَرْبٍ: ویران
۲- تَفَقَّهُوا: دانش بیاموزید
۳- لَا تَمُوتُوا: نمیرید
۴- جُهَالٍ: نادانان «مفرد: جاهل»
۵- لَا يَعْزِرُ: عذر نمی پذیرد
۶- إِنْ جَالَسْتَهُ: اگر با او همنشینی کنی
۷- إِنْ مَاشَيْتَهُ: اگر با او همراهی کنی
۸- أَمْنَهُ النَّاسُ: مردم او را امین بدانند.
۹- دِمَاءُ: خون ها (جان ها) «مفرد: دم»

تمرین پنجم: فعل های این جدول و مصدرهایشان را ترجمه کن

التَّمْرِينَ الْخَامِسِينَ: تَرْجِمْ أفعالَ هَذَا الْجَدْوَلِ وَ مَصَادِرَهَا.

	الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ	الْمَصَدْرُ	الْأَمْرُ
باب افعال	أَنْتَجَ: تولید کرد	يُنتِجُ: تولید می کند	إِنْتِاجٌ: تولید کردن	أَنْتِجْ: تولید کن
باب تفعیل	شَجَّعَ: تشویق کرد	يُشَجِّعُ: تشویق می کند	تَشْجِيعٌ: تشویق کردن	شَجِّعْ: ... تشویق کن
باب مفاعلة	سَاعَدَ: همکاری کرد	يُسَاعِدُ: همکاری می کند	مُسَاعَدَةٌ: همکاری کردن	سَاعِدْ: همکاری کن
باب تفاعل	تَسَاقَطَ: بی در پی افتاد	يَتَساقَطُ: بی در پی می افتد	تَساقُطٌ: بی در پی افتادن	تَساقُطٌ: بی در پی بیفت
باب استفعال	اسْتَحْدَمَ: به کار گرفت	يَسْتَحْدِمُهُ: به کار می گیرد	اسْتِحْدَامٌ: به کار گرفتن	اسْتَحْدِمْ: به کار بگیر
باب افتغال	انْتَفَعَ: سود برد	يَنْتَفِعُ: سود می برد	انْتِفاعٌ: سود بردن	انْتَفِعْ: ... سود ببر
باب تفعّل	تَعَلَّمَ: یاد گرفت	يَتَعَلَّمُ: یاد می گیرد	تَعَلُّمٌ: یاد گرفتن	تَعَلَّمْ: یاد بگیر
باب انفعال	انْكَسَرَ: شکسته شد	يَنْكَسِرُ: شکسته می شود	انْكَسارٌ: شکسته شدن	انْكَسِرْ: شکسته شو

تمرین پنجم: آیه هارا ترجمه کن و نوع فعل های موجود در آنها و صیغه آنها را بنویس.

الْتَّمَرِينَ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ اَكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا وَ صَيِّغَهَا.

ماضی - سوم شخص مفرد مذکر ماضی - سوم شخص مفرد مذکر

۱- ﴿وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ الْبَقَرَة: ۲۲

واز آسمان آبی را فرستاد پس با آن از میوه هارزقی برایتان بیرون آورد

ماضی - سوم شخص جمع مذکر مضارع - سوم شخص مفرد مذکر

۲- ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ الْبَقَرَة: ۲۵۷

خداوند صاحب سرپرست کسانی است که ایمان آوردند، آنها را از تاریکی ها به روشنایی بیرون می آورد

امر - دوم شخص مفرد مذکر امر - دوم شخص مفرد مذکر

۳- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ غَافِر: ۵۵

پس صبر کن زیرا وعده ی خدا حق است و برای گناهت آمرزش بخواه

ماضی - اول شخص جمع ماضی - سوم شخص مفرد مذکر

۴- ﴿وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ﴾ الْإِسْرَاء: ۱۰۵

و به حق آن را فرو فرستادیم و به حق نازل شد

مضارع - سوم شخص مفرد مذکر مضارع - سوم شخص مفرد مذکر

۵- ﴿وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ﴾ آلِ عِمْرَان: ۱۶۴

و به آنها کتاب و حکمت را می آموزد

ماضی - سوم شخص مفرد مذکر مضارع - اول شخص مفرد مضارع - دوم شخص جمع مذکر

۶- ﴿قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ الْبَقَرَة: ۳۰

گفت قطعاً من چیزی را می دانم که شما نمی دانید



پژوهش علمی

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

دنبال آیاتی بگرد که در هر یک از آنها فعلی از این فعل ها باشد در هر آیه یک فعل
اِبْحَثْ عَنِ آيَاتٍ فِي كُلِّ مِنْهَا فِعْلٌ مِنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ. (فِي كُلِّ آيَةٍ فِعْلٌ وَاحِدٌ).
أَرْسَلْنَا . اِنْتَظِرُوا . اسْتَغْفِرْ . اِنْبَعَثْ . تَفَرَّقْ . تَعَاوَنُوا . عَلَّمْنَا . يُجَاهِدُونَ

